Vol. 13 | No. 3404 | Tue. Sep 8. 2026 | سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ | ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۰۴ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

چرا نظارت بر بنگاه و پلتفرم ناکارآمد است؟

بازار مسکن زیر تیغ تخلف

صفحه ۵

در نشست هم‌اندیشی اندیشکده‌های فضای مجازی مطرح شد

هوش مصنوعی در پیچ حکمرانی

صفحه ۶

سیاست تهران میان بازدارندگی و دیپلماسی

سه پیام همزمان ایران به امریکا

در حالی که تنها چند هفته از فروکش کردن درگیری‌های مستقیم میان ایران و امریکا می‌گذرد، معادلات منطقه‌ای بار دیگر وارد مرحله‌ای تازه شده است. تهران در یک شبانه‌روز گذشته همزمان سه پیام متفاوت اما مکمل را به واشنگتن و جامعه بین‌المللی مخابره کرده است؛ نخست، تشدید بازدارندگی در خلیج فارس از طریق اعلام ایجاد یک محدوده جدید ممنوعه در اطراف تنگه هرمز؛ دوم چالش سیاسی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آغاز نشست شورای حکام؛ و سوم، ادامه مسیر دیپلماسی با عمان برای نهایی کردن توافق مربوط به مسیر ایمن کشتیرانی در تنگه هرمز. این همزمانی نشان می‌دهد راهبرد ایران دیگر صرفاً بر تقابل یا مذاکره استوار نیست، بلکه تلاش می‌کند میان «فشار میدانی» و «گشایش دیپلماتیک» توازن برقرار کند. در شرایطی که امریکا همچنان محاصره دریایی ایران را حفظ کرده و فشارهای اقتصادی را ادامه می‌دهد، تهران نیز اعلام کرده ابزارهای بازدارنده جدیدی را در خلیج فارس به کار خواهد گرفت، اما در عین حال مسیر گفت‌وگو با عمان را متوقف نکرده است. مهم‌ترین تحول روز گذشته، اظهارات محسن رضایی درباره ایجاد یک «محدوده ممنوعه تحریمی» در اطراف تنگه هرمز بود. به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی، این محدوده از خط محاصره دریایی امریکا آغاز شده و تا بخش‌هایی از خلیج فارس امتداد خواهد یافت و هر شناوری که بدون هماهنگی وارد آن شود، در فهرست تحریم‌های جمهوری اسلامی...

صفحه ۲ را بخوانید

پاکستان می‌تواند جای امارات را در تجارت ایران بگیرد؟

گلوگاه‌های پاکستان در مسیر تجارت ایران

۷

«تعادل» روند بورس‌های جهانی را بررسی می‌کند

رکوردشکنی بورس با وجود افت دلار

بورس تهران در سومین روز کاری هفته بار دیگر قدرت خریداران را به رخ کشید و در یکی از متفاوت‌ترین معاملات ماه‌های اخیر، شاخص کل با جهش بیش از ۱۸۴ هزار واحدی برای نخستین بار وارد محدوده ۶.۹ میلیون واحد شد. رشد ۲.۷۴ درصدی شاخص کل در کنار افزایش...

صفحه ۴ را بخوانید

سهمیه‌های اول و دوم بنزین پاسخگوی نیاز ۸۵ درصد مردم است

نرخ سوم بنزین ۱۰ هزار تومان

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با تأکید بر تدریجی و انعطاف‌پذیر بودن سیاست‌های قیمتی دولت در حوزه بنزین گفت: سهمیه‌های اول و دوم بنزین در مجموع نیاز ۸۵ درصد مردم را پوشش می‌دهد و قیمت این سهمیه‌ها بدون تغییر باقی خواهد ماند. به گزارش ایلنا از وزارت نفت، محمدصادق عظیمی‌فر با تعریف ناترازی به عنوان شکاف میان تولید و مصرف، بیان کرد: از سال ۱۴۰۰ تاکنون، روند مصرف بنزین در کشور با میانگین رشد سالانه حدود ۶ درصد روبه‌رو بوده است. در سمت مقابل، با وجود عدم احداث پالایشگاه جدید پس از بهره‌برداری از ستاره خلیج‌فارس در سال ۱۳۹۶، با اقدام‌های انجام‌شده در دولت جدید، از جمله افزایش خوراک پالایشگاه‌ها، بازآرایی فرآیندی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های خالی واحدهای بنزین‌سازی موفق شدیم رشد تولید را به ۵ درصد برسانیم...

صفحه ۳ را بخوانید

یادداشت-۱

زنگ خطر در بازاربدهی امریکا

رضا غنی‌پور

افزایش تاریخی بازدهی اوراق قرضه دولتی ژاپن و عبور آن از مرزهای چند دهه گذشته، به منزله آغاز تحولی بنیادین در معماری مالی بین‌الملل است.

بازگشت تدریجی غول‌های سرمایه‌گذاری ژاپن از بازاربدهی امریکا به خاک خود، نه تنها چالش‌های کاخ سفید در مدیریت کوه بدهی‌های سرسام‌آور را تشدید می‌کند، بلکه فدرال‌رزرو را بر سر دوراهی تاریخی «تورم یا بحران مالی» قرار داده و مسیر میان‌مدت دارایی‌های امنی نظیر طلا را دگرگون می‌سازد.

۱. پایان دوران بهره صفر: برای دهه‌ها، اقتصاد ژاپن با نرخ‌های بهره نزدیک به صفر یا حتی منفی و سیاست‌های کنترل منحنی بازدهی شناخته می‌شد.

سرمایه‌گذاران نهادی، صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های بیمه ژاپنی به دلیل نبود بازدهی جذاب در داخل، به سمت وال استریت و بازارهای بین‌المللی روانه شدند و ژاپن را به بزرگ‌ترین دارنده خارجی اوراق خزانه‌داری امریکا تبدیل کردند. اما امروز معادله در حال دگرگونی اساسی است.

رسیدن بازدهی اوراق ۱۰ ساله ژاپن به سطوحی که از اواخر دهه ۹۰ میلادی بی‌سابقه بوده، توازن سنتی را برهم زده است.

سرمایه‌گذار ژاپنی اکنون دلیلی نمی‌بیند که ریسک پوشش نوسانات نرخ ارز و دارایی‌های خارجی را به جان بخرد، چراکه در خاک خود نیز می‌تواند بازدهی قابل توجهی کسب کند.

این دگرگونی هر چند در گام نخست ممکن است تدریجی باشد، اما با توجه به حجم هنگفت صدها میلیارد دلاری این سرمایه‌ها، پیامدهای مهلکی برای اقتصاد امریکا به همراه خواهد داشت.

۲. فشار مضاعف بر شریان مالی وال استریت: بازار اوراق خزانه‌داری امریکا به عنوان ستون فقرات و ضربان‌سنج نظام مالی جهان شناخته می‌شود.

خروج یا حتی کاهش تقاضای سرمایه‌گذاران بزرگ ژاپنی به معنای کاهش قیمت اوراق و لاجرم افزایش بیشتر بازدهی آنها در بازار بدهی امریکاست.

دولت امریکا در حال حاضر با بدهی ملی تاریخی و هزینه بهره سالانه‌ای مواجه است که ارقام نجومی را ثبت می‌کند.

افزایش حتی نیم تا یک واحد درصدی بازدهی اوراق به این معناست که واشنگتن باید درصد بسیار بزرگ‌تری از بودجه عمومی خود را تنها به «خدمت بدهی» و پرداخت بهره اختصاص دهد.

این فشار دقیقا همان نقطه حساسی است که نگرانی‌های مقامات خزانه‌داری امریکا و چهره‌هایی چون اسکات بسنت را نسبت به رفتارهای پولی توکیو توضیح می‌دهد.

۳. باتلاق تورم یا بحران بدهی: اگر بازدهی اوراق قرضه بالا بماند، اقتصاد امریکا وارد یک چرخه خودتخریبی بدهی می‌شود؛ جایی که دولت برای پرداخت بدهی‌های قبلی ناچار به انتشار بدهی با نرخ‌های بالاتر است و بخش مولد اقتصاد زیر فشار نرخ‌های بهره منقبض خواهد شد.

از سوی دیگر، اگر فدرال‌رزرو برای مهار این بحران دست به مداخله بزند و با چاپ پول، کاهش نرخ بهره و خرید مجدد اوراق وارد میدان شود، شعله‌های تورم مجددا زبانه خواهند کشید و ارزش دلار دچار فرسایش خواهد شد.

سیاستگذار امریکایی در بلندمدت راهی جز این دوراهی کلاسیک پیش‌رو ندارد: تسلیم شدن در برابر رکود و ناتوانی مالی، یا تن دادن به پمپاژ نقدینگی و تحمل تورم. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که در چنین بزنگاه‌هایی، دولت‌ها عموما گزینه چاپ پول و استهلاک بدهی از طریق تورم را بر ورشکستگی ساختاری ترجیح می‌دهند.

۴. بازار طلا در تقاطع بحران بدهی و متغیر هوش مصنوعی: بازار طلا بازتاب‌دهنده مستقیم این اصطکاک‌های کلان است. در کوتاه‌مدت، ممکن است تداوم نرخ‌های بهره واقعی بالا یا رفتارهای غیرمنتظره در بازارهای جهانی نوساناتی را به بازار فلزات گرانبها تحمیل کند.

اما در میان‌مدت و بلندمدت، پاسخ محتوم بانک‌های مرکزی به بحران بدهی که همانا تزریق نقدینگی و تضعیف قدرت خرید ارزهای فیات است، سوخت اصلی و موتور محرک صعود اونس طلا خواهد بود. در حقیقت، هرگونه سیاست مداخله‌گرانه برای نجات بازار اوراق، پشتوانه بنیادین طلا را تقویت می‌کند. با این حال، یک متغیر ناشناخته و جذاب در این میان وجود دارد:

انقلاب هوش مصنوعی و رشد بهره‌وری.

اگر جهش فناوری و ارتقای چشمگیر بهره‌وری ناشی از هوش مصنوعی بتواند رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) امریکا را فراتر از انتظارات افزایش دهد، بخشی از فشار بدهی از طریق افزایش کیک اقتصادی جذب خواهد شد.

اما اگر این رشد کندتر از شتاب انباشت بدهی پیش برود، بازگشت سرمایه‌های ژاپنی به خانه، نخستین دومینوی تغییر موازنه‌های ژئواکونومیک جهان خواهد بود.

یادداشت-۲

بازخوانی چالش‌های اصلاح الگوی قیمت سوخت

حسن مرادی

سرانجام پس از دولت اصلاحات، دولتی روی کار آمد که به مقوله اصلاح الگوی مصرف بنزین به صورت عالمانه و منطقی توجه نشان داده است.

در حالی که دولت جدید با هدف تقویت توان امدادی و بازتوزیع ثروت، به دنبال اصلاح الگوی مصرف بنزین است، شخصا معتقدم برخی انتقادات که به این تصمیم وارد می‌شود، بیش از آنکه ریشه‌های علمی داشته باشد، با انگیزه‌های سیاسی و سلیقه‌ای گره خورده است. دولت اما باید توجه کند که اجرای این اصلاحات به اقداماتی چون بهبود وضعیت حمل و نقل عمومی و ارتقای سطح تولیدات خودروهای داخلی نیاز دارد. در فضای پرالتهاب اقتصادی امروز، هرگونه تغییر در ساختار یارانه‌ها یا اصلاح الگوی قیمت کالاهای اساسی، بلافاصله با موجی از واکنش‌ها مواجه می‌شود.

موضوع اصلاح الگوی مصرف بنزین نیز از این قاعده مستثنی نبوده. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا اعتراضات موجود، ناشی از فشار واقعی بر سبد معیشت است یا صرفاً ابزاری برای ایجاد چالش سیاسی علیه دولت؟ برخلاف تجربه‌های گذشته، اصلاح الگوی مصرف سوخت در دولت فعلی تنها اقدامی نیست که بدون پشتوانه انجام شود. اگر به تاریخچه مدیریت و هدفمندسازی یارانه‌ها نگاه کنیم، باید پذیرفت که دولت‌های پیشین نیز با راهبردهای روشن برای اصلاح الگوی قیمت بنزین روبرو بوده‌اند. آنچه امروز در دولت پزشکیان شاهد آن هستیم، تلاش برای مدیریت هوشمندانه مصرف است؛ اقدامی که هدف آن نه صرفاً افزایش درآمد دولتی، بلکه تقویت توان دولت برای رسیدن به وظایف امدادی و حمایت از اقشار محروم جامعه است.

بسیاری از منتقدان، این تصمیم را بخشی از فشار بر شهروندان می‌دانند، اما اگر از نگاهی واقع‌بینانه و کارشناسانه به اعداد و ارقام بنگریم، متوجه می‌شویم که میزان تغییرات در هزینه‌های شخصی، در مقایسه با تورم‌های گسترده در سایر بخش‌ها، بسیار ناچیز است. برای مثال، تفاوت قیمت حاصل از تغییر در سهمیه بنزین، در مقایسه با هزینه‌های روزمره مانند خرید یک محصول ساده (مثلاً دو عدد شکلات یا حتی قیمت یک بطری آب معدنی در تابستان)، عملاً قابل چشم‌پوشی است. در کشوری که هزینه‌های کالاهای حیاتی مانند آب معدنی از بنزین نیز فراتر رفته، تمرکز بر هزینه جزیی سوخت، بیشتر شبیه به یک «بهانه‌جویی» است تا یک دغدغه اقتصادی واقعی.

یکی از نکات تکان‌دهنده و از نظر کارشناسی، شکاف عمیق میان هزینه استفاده از خودروی شخصی و استفاده از وسایل نقلیه عمومی و اینترنتی است. نکته‌ای که در کلام کارشناسان برجسته می‌شود این است: امروز اگر یک شهروند بخواهد با خودروی شخصی خود و با استفاده از سهمیه‌های موجود (حتی سهمیه سوم) در شهر تردد کند، هزینه‌ای بسیار کمتر از کرایه تاکسی‌های اینترنتی پرداخت می‌کند. اینجاست که ما با یک «فاجعه نظارتی» روبرو هستیم. چرا نهادهای نظارتی بر نرخ کرایه‌ها و عدم سوءاستفاده از وضعیت موجود نظارت کافی ندارند؟

گزارش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از رانندگان تاکسی، نه تنها از سهمیه دولتی خود استفاده می‌کنند، بلکه با مبالغی بسیار بالاتر از نرخ مصوب، هزینه‌ها را به مسافران تحمیل می‌کنند. این در حالی است که هدف از اصلاح الگوی سوخت، مدیریت مصرف است، نه ایجاد فرصتی برای سوداگری‌های غیرقانونی در حوزه حمل‌ونقل عمومی. باید به این واقعیت توجه داشت که دولت در حال حاضر برای تأمین بنزین، هزینه‌ای بسیار گزاف (بین سه تا چهار برابر قیمت داخلی) را بابت واردات پرداخت می‌کند. وقتی دولت مجبور است برای کالایی که در داخل تولید می‌شود، با قیمت جهانی یا فراتر از آن وارد کند، پرداخت یارانه انبوه به افرادی که از سوءاستفاده از سهمیه برای پیمایش‌های غیرضروری استفاده می‌کنند، نوعی اتلاف منابع ملی است. اصلاح این الگو، در واقع تلاش برای جلوگیری از «دوردورهای مصرفی» و پیمایش‌های غیرضروری است.

هدف نهایی، انتقال این منابع مالی از جیب کسانی که از سوخت به عنوان یک کالای لوکس و برای نمایش استفاده می‌کنند، به سمت گروه‌هایی است که واقعاً به کمک‌های امدادی و حمایتی دولت نیاز دارند. در نهایت، باید میان «اعتراض بر پایه نیاز» و «اعتراض بر پایه سیاست» تفکیک قائل شد. اگر اصلاحات به گونه‌ای پیش برود که توان دولت را برای حمایت از محرومان تقویت کند، می‌تواند گامی بزرگ در جهت عدالت اجتماعی باشد؛ مشروط بر اینکه نظارت بر بخش‌های دیگر، از جمله نرخ‌های قراردادی حمل‌ونقل، با همان جدیت پیگیری شود تا عدالت تنها در بخش سوخت، نه در کل زنجیره خدمات، معنا پیدا کند.

یادداشت-۳

واگرایی دلار و بورس

ایمان رییسی

بازار سرمایه در روزهای اخیر در شرایطی به مسیر صعودی خود ادامه داده که نرخ دلار نیز روند افزایشی خود را حفظ کرده است؛ موضوعی که باعث شده واگرایی میان رفتار دلار و بورس نسبت به گذشته تا حدی تغییر کند.

در گذشته معمولا میان این دو بازار نوعی واگرایی مشاهده می‌شد، اما اکنون با توجه به رشد نرخ نیما، بازار سرمایه نیز توانسته است همزمان با افزایش نرخ دلار، روند صعودی خود را ادامه دهد و به نوعی البته با کمی تاخیر، خود را با شرایط جدید نرخ ارز تطبیق دهد.

در روزهای اخیر، با وجود آنکه دلار توانسته روند صعودی خود را حفظ کند، شاخص بورس نیز رشد کرده است. این در حالی است که در گذشته افزایش نرخ دلار الزاما به معنای واکنش همزمان بازار سرمایه نبود و حتی در برخی مقاطع شاهد نوعی واگرایی میان این دو بازار بودیم. اما اکنون افزایش نرخ نیما نیز در کنار رشد دلار قرار گرفته و همین موضوع می‌تواند زمینه‌ای برای تطبیق بیشتر بازار سرمایه با نرخ ارز ایجاد کند.

از سوی دیگر، دلار طی یکی، دو روز اخیر مقداری نوسانی شده است، اما همچنان انتظارات تورمی و اثر نرخ دلار بر درآمد شرکت‌ها می‌تواند در بازار باقی بماند. به همین دلیل، حتی در شرایطی که نرخ ارز در کوتاه‌مدت با نوسان مواجه شود، اثر آن بر انتظارات فعالان بازار و همچنین درآمد شرکت‌ها همچنان قابل توجه است. در همین شرایط، اگر روند ورود نقدینگی به بازار نیز ادامه پیدا کند، می‌توان گفت که فعلا تقاضا در بازار سرمایه دست بالا را دارد. بر همین اساس، اگر شرایط فعلی ادامه پیدا کند، بازار سرمایه می‌تواند اعداد بالاتری را نیز ببیند. ورود نقدینگی به بازار و غلبه تقاضا بر عرضه، در کنار رشد نرخ دلار و نرخ نیما، عواملی هستند که می‌توانند به تداوم حرکت بازار کمک کنند. البته در کنار این موارد، نمی‌توان ریسک‌های موجود در بازار را نادیده گرفت؛ ریسک‌هایی که طی چند ماه گذشته نیز بازار سرمایه با آنها درگیر بوده است.

در چنین شرایطی، برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت بازار، صرفا دنبال کردن شاخص کل بورس کافی نیست و باید رفتار شاخص هم‌وزن و همچنین ارزش معاملات نیز به دقت مورد پیگیری قرار گیرد، چراکه در روزهای گذشته مواردی دیده شد که شاخص بورس در محدوده مثبت قرار داشت، اما در بسیاری از سهم‌ها اتفاق قابل توجهی رخ نمی‌داد. بنابراین ممکن است رشد شاخص کل به تنهایی تصویر کاملی از وضعیت معاملات و شرایط کلی بازار ارایه نکند و بررسی شاخص هم‌وزن و ارزش معاملات بتواند تصویر دقیق‌تری از میزان مشارکت سهم‌ها و جریان نقدینگی در بازار ارایه دهد. در این میان، صحبت‌هایی نیز در برخی گروه‌ها، از جمله گروه بانکی، درباره افزایش نرخ دلار مطرح است. همان‌طور که اشاره شد، اثر افزایش نرخ ارز تنها به یک گروه محدود نمی‌شود و در گروه‌های دیگر نیز می‌توان آثار آن را مشاهده کرد. با این حال، در کنار عوامل مثبت موجود در بازار، همچنان ریسک‌هایی وجود دارد که فعالان بازار باید آنها را در نظر داشته باشند.

یکی دیگر از موضوعاتی که در این شرایط مطرح شده، افزایش نرخ بنزین است. افزایش نرخ بنزین به صورت سنتی در گذشته نیز در مقاطعی با اثر مثبت بر بازار سرمایه همراه بوده است. به عبارتی هر زمانی که افزایش نرخ بنزین اتفاق افتاده، به صورت سنتی شاهد تاثیر مثبت آن بر بازار سرمایه بوده‌ایم و این موضوع نیز می‌تواند یکی از متغیرهایی باشد که در تحلیل شرایط فعلی بازار مورد توجه قرار گیرد.

اما پرسش مهم این است که آیا بازار سرمایه در ادامه مسیر خود وارد یک روند اصلاحی خواهد شد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش باید به رفتار فعالان فعلی بازار نیز توجه کرد. به نظر می‌رسد افرادی که اکنون در بازار سرمایه حضور دارند، با سرمایه‌گذارانی که در سال ۱۳۹۹ وارد بورس شدند، تفاوت قابل توجهی دارند. در سال ۱۳۹۹ گروهی از افراد که آشنایی چندانی با بورس نداشتند، وارد بازار شدند و بعد از مدتی نیز از بازار خارج شدند. در واقع، بخش قابل توجهی از آن گروه دیگر در بازار حضور ندارند. افرادی که اکنون در بازار باقی مانده‌اند، افرادی هستند که ریسک‌های موجود، از جمله ریسک جنگ را پذیرفته‌اند و با وجود این ریسک‌ها در بازار مانده‌اند. در همین رابطه، صحبتی از آقای احمد تبریزی مطرح می‌شود که عنوان می‌کند فعالان بازار در واقع «آینده را می‌خرند».

این نگاه می‌تواند بخش مهمی از رفتار فعلی بازار را توضیح دهد. افرادی که اکنون در بازار مانده‌اند، علاوه بر رشد فعلی شرکت‌ها که می‌تواند تحت تاثیر تورم و افزایش نرخ دلار باشد، به آینده شرکت‌ها نیز توجه دارند. در واقع، اگر شرایط پساجنگ را در نظر بگیریم، این احتمال وجود دارد که وضعیت شرکت‌ها بهتر شود و علاوه بر رشدی که اکنون به دلیل تورم و افزایش نرخ دلار اتفاق می‌افتد، در دوره پس از جنگ، رشد اقتصادی و واقعی نیز بتواند به کمک شرکت‌ها بیاید.

بنابراین در شرایط فعلی بازار سرمایه، همزمان باید به روند دلار، رشد نرخ نیما، ورود نقدینگی، وضعیت تقاضا، شاخص هم‌وزن و ارزش معاملات توجه کرد و در کنار این عوامل، ریسک‌های موجود را نیز در نظر داشت. در صورتی که شرایط فعلی حفظ شود و تقاضا همچنان در بازار غالب باشد، امکان مشاهده اعداد بالاتر برای شاخص و بازار وجود دارد؛ هر چند همچنان احتمال اصلاح و نوسان نیز بخشی از رفتار طبیعی بازار خواهد بود.

یادداشت-۴

تولید بدون ثبات اقتصادی جان نمی‌گیرد

مهدی پازوکی

رونق تولید سال‌هاست به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد ایران مطرح می‌شود، اما تجربه نشان داده است که تولید بیش از هر چیز به ثبات اقتصادی نیاز دارد. سرمایه‌گذار، تولیدکننده و فعال اقتصادی زمانی برای توسعه کسب‌وکار خود تصمیم می‌گیرد که بتواند آینده اقتصاد را پیش‌بینی کند؛ در مقابل، تورم بالا و بی‌ثباتی اقتصادی نخستین سیگنالی است که سرمایه را از بخش مولد دور می‌کند و فضای کسب‌وکار را تضعیف می‌سازد. امروز مهم‌ترین مانع پیش روی تولید، نرخ فزاینده تورم است. تورم تنها به معنای افزایش قیمت کالاها نیست، بلکه شاخصی از بی‌ثباتی اقتصاد محسوب می‌شود و هر چه این بی‌ثباتی بیشتر باشد، هزینه سرمایه‌گذاری، تولید و برنامه‌ریزی اقتصادی نیز افزایش پیدا می‌کند. در چنین فضایی، بنگاه‌های اقتصادی توان تصمیم‌گیری بلندمدت را از دست می‌دهند و رشد تولید با مانع روبه‌رو می‌شود. بازگرداندن ثبات به اقتصاد، دو مسیر مکمل دارد؛ نخست، پیگیری یک سیاست خارجی خردمندانه که بتواند تنش‌های اقتصادی را کاهش دهد و زمینه تعامل منطقی با جهان را فراهم کند. تداوم گفت‌وگوها و حرکت بر مبنای تفاهم‌های منطقه‌ای، از جمله یادداشت تفاهم اسلام‌آباد می‌تواند به کاهش نااطمینانی و بهبود فضای اقتصادی کشور کمک کند. سیاست خارجی زمانی موفق خواهد بود که در خدمت توسعه اقتصادی و منافع ملی قرار گیرد. مسیر دوم، اصلاحات اقتصادی در داخل کشور است. کنترل تورم، انضباط مالی و اصلاح سیاست‌های اقتصادی باید همزمان با دیپلماسی دنبال شود، زیرا بدون مهار تورم، نه رشد اقتصادی پایدار شکل می‌گیرد و نه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی افزایش خواهد یافت. این سه مولفه به یکدیگر وابسته‌اند و حذف هر کدام، چرخه توسعه را ناقص می‌کند.

نگرانی مهم دیگر، چشم‌انداز رشد اقتصادی است. اگر ثبات به اقتصاد بازنگردد، احتمال منفی شدن رشد اقتصادی در سال جاری وجود دارد و در چنین شرایطی، مشکلات تولید نیز عمیق‌تر خواهد شد. بنابراین حمایت از تولید تنها با پرداخت تسهیلات یا تدوین برنامه‌های صنعتی محقق نمی‌شود، بلکه پیش‌شرط آن ایجاد محیطی باثبات برای فعالیت اقتصادی است.

البته باید واقعیت شرایط امروز کشور را نیز در نظر گرفت. اقتصاد ایران همچنان در فضای جنگ و فشارهای خارجی قرار دارد و تجربه جهانی نشان می‌دهد دولت‌ها در دوره‌های جنگی ناگزیر از مداخله بیشتر در اقتصاد هستند. سهمیه‌بندی، مدیریت منابع و سیاست‌های حمایتی در چنین شرایطی امری طبیعی است، اما این وضعیت نمی‌تواند به یک رویه دایمی تبدیل شود. هر چه مسیر پایان تنش‌ها و بازگشت به شرایط عادی سریع‌تر طی شود، امکان اجرای اصلاحات اقتصادی و احیای تولید نیز بیشتر خواهد بود. در نهایت، رونق تولید از مسیر ثبات می‌گذرد. مهار تورم، اصلاحات داخلی و دیپلماسی اقتصادی سه ضلع یک مثلث هستند که بدون تحقق همزمان آنها، نه سرمایه جذب خواهد شد و نه اقتصاد ایران می‌تواند از چرخه رکود و بی‌ثباتی فاصله بگیرد.

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.